



تأملی بر عملیات فریب و غافلگیری در کربلای ۴ و ۵

چند روزی است که در مطبوعات، فضای مجازی و رسانه‌های کشور عملیات‌های کربلای ۴ و ۵ مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. در این خصوص دیدگاه‌های مختلفی از سوی فرماندهان عملیات‌های ذکر شده و نیز کارشناسان حوزه رسانه و جنگ ارائه شده است. صرف نظر از هرگونه قضاوتی بر آن شدم تا در خصوص فریب و غافلگیری در عملیات‌های نظامی، مطالبی را جهت تنویر افکار کارشناسان این حوزه و علاقمندان به مطالعات جنگ ارائه نمایم.

مفاهیم غافلگیری و فریب در اغلب ارتش‌های دنیا در دو موضوع مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. در اکثر کشورهای جهان (بالای ۹۰ درصد) غافلگیری به عنوان یک اصل از اصول جنگ شناخته شده است. مفهوم فریب نیز در آیین‌نامه عملیات مورد بررسی قرار گرفته است. در انواع عملیات آفندی در بند عملیات آفندی خاص یکی از انواع تک‌ها، تک فریبنده و تظاهر به تک ذکر شده است. با توجه به این مقدمه در زیر به توضیح این دو مفهوم می‌پردازم.

فریب:

فریب عبارت است از اقداماتی که برای به اشتباه انداختن دشمن، از طریق حقیقی جلوه دادن فعالیت‌های غیر واقعی صورت می‌گیرد. مانند تهیه مواضع فریبنده.

انواع عملیات فریب عبارتند از:

تک فریبنده.

نمایش نیرو.

نیرنگ (حیله جنگی)

فریب دید. (شامل تقلیدکردن، تغییر شکل دادن، وانمود کردن)

کاربرد پوشش و فریب از دوران کهن تاکنون متداول بوده است. [۱]

تعریف دیگری از فریب: فریب نظامی به اقداماتی گفته می‌شود که با هدف گمراه کردن تصمیم‌گیرندگان دشمن نسبت

به توانمندی‌ها، اهداف و عملیات نیروهای خودی اجرا می‌گردد تا باعث شود دشمن مبادرت به اقدامات خاص (یا عدم اقدام) کند و به موفقیت ماموریت نیروهای خودی کمک نماید [۲].

تک فریبنده:

تک فریبنده و تظاهر به تک، دشمن را از قصد و نیت واقعی آفند کننده فریب می‌دهد. این دو عمل باعث می‌شود تا اینکه دشمن در موضع باقی مانده و توجه خود را به آن محل معطوف نموده و در نتیجه امکان موفقیت عملیات واقعی و اصلی افزایش یابد. چنانچه این عمل موجب کشف نقاط ضعف دشمن شود ممکن است فرمانده با اجرای تک تعجیلی و یا هماهنگ شده به نقاط ضعیف کشیده شده و از موفقیت پیش آمده بهره‌برداری نماید.

تک فریبنده با هدف‌های کوچک و محدود که قبل و یا در خلال آفند اصلی به منظور گمراه کردن و منحرف کردن توجه دشمن نسبت به منطقه تلاش اصلی صورت می‌گیرد. معمولاً یگان‌هایی به اندازه تیپ و یا کوچکتر تک فریبنده را اجرا می‌نمایند. انتظار فرمانده از یک تک فریبنده وصول به نتایج زیر است [۳]:

دشمن در کاربرد احتیاط خود دچار اشتباه شود.
دشمن آتش‌های خود را به منطقه تک فریبنده هدایت کند.
دشمن موضع جنگ‌افزارها و نیروهای خود را آشکار کند.
دشمن گیج و مشوش شود.

منظور (کارکردهای) فریب نظامی: منظور از فریب نظامی، شرح خلاصه آن چیزی است که باعث می‌گردد، تا دشمن اقدام خاصی را انجام دهد یا انجام ندهد. نمونه‌ای از فریب نظامی شامل فریب دشمن به هدایت غلط امکانات شناسایی و مراقبت خود در خارج از منطقه مورد تهاجم نیروهای خودی و دفاع از منطقه کاذب می‌گردد. ممکن است سایر منظورها از فریب نظامی به شرح زیر باشد:

فریب فرمانده دشمن با استفاده از نیروها و امکانات خود به طریقی که به نفع نیروهای مشترک (خودی) باشد.
وادر کردن دشمن به آشکار نمودن نقاط قوت، جابه‌جایی نیرو و نیت خود.
وادر کردن دشمن به حفظ ذخایر راهبردی خود تا زمانی که نیروهای خودی ماموریت خود را با موفقیت به پایان برسانند.
هدایت (ذهن) دشمن به سمت الگوهای خاص رفتار با نیروهای خودی با هدف تاثیرگذاری بر ادراک دشمن به طوری که در زمان خاص و توسط نیروهای مشترک قابل بهره‌برداری باشد.

وادر کردن دشمن به اتلاف توان رزمی خود با انجام اقدامات نامناسب یا تاخیری. ایجاد ابهام، سردرگمی یا فهم غلط در برداشت دشمن از اطلاعات حیاتی نیروهای خودی که ممکن است شامل این موارد گردد: هویت واحدها، موقعیت، حرکات، جابه‌جایی، نقاط ضعف، توانمندی‌ها، نقاط قوت، وضعیت آماد و نیت.

اصول فریب نظامی [۴]

تمرکز

فریب باید توان تصمیم‌گیری فرماندهان و مقامات مسئول دشمن را هدف قرار دهد.

منظور

وادر کردن دشمن به اقدام یا عدم اقدام خاص و نه صرفاً باور برخی نکات خاص.

طرح‌ریزی و نظارت تمرکزی

عملیات فریب باید به صورت تمرکزی، طرح‌ریزی و هدایت گردند.

امنیت

خودداری از آگاهی دشمن از هدف عملیات فریب نیروهای خودی و اجرای این هدف علیه دشمن.

زمان بندی

عملیات فریب نیازمند زمان بندی دقیق است.

یکپارچگی

هر عملیات فریب نظامی را با عملیاتی که از آن پشتیبانی می کند، یکپارچه نمایید.

توقف عملیات فریب نظامی: [۵]

خاتمه عملیات فریب به روشی است که موجب حفاظت از منافع فریب دهنده می شود. هدف از توقف موفقیت آمیز شامل خاتمه عملیات فریب، بدون آشکار ساختن آن برای دشمن است. هسته طرح ریزی فریب، بر پایان عملیات کلی فریب و

نیز پیچیدگی‌های موجود در هر رخداد فریب، توجه دارد. چگونگی پایان دادن به هر رخداد فریب، به روشی که هیچ نشانی از تردید و ظن در عملیات فریب بر جای نماند، از ویژگی‌های ذاتی آماده‌سازی رخداد فریب نظامی محسوب می‌شود. دلایل توقف فریب را می‌توان در شکل زیر مشاهده کرد.

هنگامی که فرمان توقف صادر می‌شود، دیدگاه توقف مورد نظر به زیربنایی برای اقدامات توقف نهایی تبدیل می‌شود. این اقدامات عملیاتی را که در راستای رخدادهای فریب مورد اجرا، وضعیت آگاهی سنجیده شده هدف و اهداف خاص فرمانده ذی‌ربط می‌باشند پایان می‌دهند.

اقدامات متوقف کردن باید منعکس کننده تمایل و تعصب دشمن باشد. اقدامات توقف، ارائه آن چیزی است که فریب دهنده تمایل دارد دشمن با در نظر گرفتن کل عملیات فریب از آن برداشت کند. ممکن است گستره توقف از طریق سکوت، پذیرش، انکار یا عملیات خاص فریب جهت انحراف، یعنی فریبی در فریب دیگر، بیان شود. با ادامه اجرای عملیات فریب، برخی از گزینه‌های قبلی توقف، غیر موثر و برخی دیگر بسیار موثر می‌گردند که نشان دهنده نیازهای طرح‌ریزی بیشتر است.

توقف عملیات فریب به هماهنگی نیاز دارد. طبق قانون، فرمانده عملیات، اختیار متوقف کردن عملیات را فقط زمانی دارد که بخشی از عملیات فریب گسترده نباشد. در این زمینه، برای حفاظت از منابع یا جنبه‌های حیاتی عملیات بزرگ‌تر نیاز به توقف فوری می‌باشد. در غیر این صورت، فرمانده آغاز کننده، قبل از اقدام به توقف با فرماندهی بالاتر هماهنگی‌های لازم را انجام می‌دهد. این اقدام به این دلیل که جنبه‌های طرح پیشنهادی توقف، مانند خود فریب نظامی می‌تواند منابع و عملیات نیروهای خودی را به خطری بیندازد که فراتر از اختیارات فرمانده آغاز کننده باشد، بسیار ضروری است.

توقف عملیات فریب شامل ارزیابی و گزارش نیز می‌گردد. ارزیابی پس از اقدام، باید توسط هسته طرح‌ریزی فریب انجام شود. این ارزیابی برای فرمانده ذی‌ربط، زیربنای اصلی تعیین درصد موفقیت ماموریت و نیز بهبود عملیات آتی فریب نظامی را فراهم می‌کند. از آنجایی که ممکن است در طولانی مدت، اطلاعات مهم مربوط به عناصر مختلف فریب نظامی در دسترس گیرند، لذا قبل از انجام ارزیابی نهایی به چند گزارش پس از اقدام نیاز خواهد بود. این نوع گزارش، دیدگاهی جامع را از فریب نظامی را که منطبق با هدف اصلی و چگونگی تداوم اجرای واقعی آن است را برای فرمانده فراهم می‌آورد.

غافلگیری یعنی ضربه زدن به دشمن در زمان و مکان و به طریق و روشی که انتظار و آمادگی پذیرش آن را ندارد. ما باید برای دسترسی به اصل غافلگیری، فرصت عکس‌العمل را از دشمن سلب کنیم. او باید وقتی از عملیات ما آگاه شود که دیگر زمان برای عکس‌العمل دیرشده باشد ما باید فضا و زمان را از دشمن سلب کنیم، یعنی نه فضا برای تغییر گسترش و جابه‌جایی و تغییر حالت و نه زمان برای اجرای جابه‌جایی مذکور در اختیار داشته باشد. لازمه دسترسی به اصل غافلگیری، رعایت درست اصل تامین است که دشمن را در بی‌اطلاعی کامل یا لااقل در شک و تردید نگهداشته و نگذاریم از نیت و توانایی‌های خودی آگاه گردد. غافلگیری به‌گونه‌ای تعیین کننده، توازن توان رزمی را برهم می‌زند و به وسیله آن می‌توان کمبود نیرو را جبران نمود. امروزه نیل به غافلگیری راهبردی، مشکل است: زیرا بایشرفت فناوری وسایل دید و مراقبتی و مخابراتی و ماهواره‌ای، مخفی کردن حرکات و جابه‌جایی نیروها و وسایل و منابع در مقیاس وسیع، تقریباً غیرممکن است. اصل غافلگیری در بعد عملیاتی و تاکتیکی، به خاطر تاثیر قطعی در نتیجه نبردها، بسیار مهم تلقی می‌شود. با رعایت اصل غافلگیری، موفقیت به نسبتی فراتر از تلاشی که صرف آن می‌گردد، عاید می‌شود.

اقداماتی که موجب دسترسی به اصل غافلگیری می‌گردند، به شرح زیر هستند: [۷]

۱. در اختیار داشتن اطلاعات دقیق از جو و زمین و دشمن (عملیات اطلاعاتی):

نیرویی که قصد تک دارد، باید بداند، دشمن در کدام منطقه و در چه زمانی انتظار تک ما را ندارد و در کدام محل و چه زمانی منتظر حمله ما می‌باشد، تا از این دو موضوع آگاهی حاصل نکنیم، قادر به غافلگیر کردن دشمن نخواهیم شد. بنابراین، سیستم اطلاعات خودی باید حتی از طرز تفکر دشمن و زمینه‌های فریب وی نیز آگاهی حاصل نماید تا بتوان موازنه فکری، عقلی و عصبی او را برهم زده و وی را گیج و گمراه کرد. [۸]

۲. پنهان نگهداشتن نیت، طرح‌ها و دستورات (حفاظت اطلاعات):

برای این که بتوانیم دشمن را غافلگیر نماییم، باید نیت، وضع موجود و موقعیت حقیقی قوای خودی را از دشمن پنهان کنیم و به عبارت دیگر، باید چشم‌ها و گوش‌های دشمن را بسته و مهر و موم کنیم.

سیستم حفاظت اطلاعات خودی باید کاری کند که نیت، طرح‌ها و دستورات، جابه‌جایی‌ها، استعداد و تغییر گسترش‌ها، غیرقابل کشف و نفوذناپذیر گردند. در چنین صورتی می‌توان دشمن را با وصف تفوق عددی، دستپاچه و شتاب‌زده نموده و با وادار کردن وی به کاربرد عجولانه نیروهایش، قدرت عکس‌العمل منطقی و به موقع را از وی سلب کرد.

۳. عملیات فریب در تمام زمینه‌ها:

برای اینکه بتوانیم دشمن را غافلگیر کنیم، لازم است سامانه مغزی (تصمیم‌گیری) و سلسله اعصاب دشمن را به صورت کلافی سردرگم در آورده و قدرت تعقل و تشخیص را از وی سلب نماییم. بنابراین، برای به اشتباه انداختن، سردرگم نمودن و پرت کردن حواس و جلوگیری از تمرکز فکری دشمن، باید مبادرت به اجرای فریب نمود. باید برای اغفال و پرت کردن حواس دشمن، عملیات متعددی را در دستور کار خود ترتیب دهیم. باید خود را در باختر نشان دهیم و دفعتاً از خاور سر در آوریم. او را به سوی شمال بکشانیم و غفلتاً در جنوب ضربه خود را بر سر او فرود آوریم. باید تلاش کنیم که دشمن را دستپاچه کنیم و طوری نیروی تفکر و قوه تشخیص او را فلج نموده و تنظیم دستگاه مغزی او را بهم بزینیم که او نیروهای خود را به عوض تمرکز، با آشفتگی و بی‌نظمی کامل، پراکنده و متفرق سازد. هنگامی که نیروهای دشمن پراکنده هستند، باید با کاربرد فریب، از تمرکز موثر آنها جلوگیری کرد و یا وقتی که متمرکز و منسجم‌اند، با اجرای فریب، بذر ازهم گسیختگی و بی‌نظمی را در میان آنها افشاند. باید طوری دشمن را فریب داد که وی نتواند که حدس بزند که در کدام محل و چه موقع باید منتظر حمله ما باشد، و در نتیجه قادر به آماده کردن خود برای قبول نبرد نباشد. هنگامی که دریافتیم بر دشمن برتری داریم، باید طوری وانمود کنیم که نسبت به او در وضع نامساعدی قرار داریم و این اوست که بر ما برتری و تفوق دارد و او را از این طریق به خودبزرگ بینی و در نتیجه لاف‌زنی و غرور کاذب تشویق و ترغیب کنیم. باید باریختن دانه دشمن را به تله بکشیم و دفعتاً او را با ضربه محکم بکوبیم. [۹]

۴. چالاکي و سرعت در حرکات :

در غافلگیری باید ضربه را در زمان و مکان و به روشی بر دشمن فرود آوریم که او فرصت عکس‌العمل موثر را در اختیار نداشته باشد. حال اگر نواخت این ضربه آنچنان سریع و چابک نباشد که دشمن فرصت یابد بلافاصله یا به مرور خود را بازیابد و عکسالعمل مناسبی از خود نشان دهد، در این صورت، ما به غافلگیری موردنظر دسترسی پیدا نکرده‌ایم. پس لازمه این ضربه، وجود سرعت و چالاکي در آن است. به عبارت دیگر، آهنگ ضربات خودی بایستی از قدرت و سرعت واکنش دشمن بیشتر و برتر باشد. به نحوی که تا به خود آید، کار او یکسره شده باشد.

هراندازه تیزبینی و چالاکي حرکات و ضربات بیشتر باشد به همان میزان درجه موفقیت نیز افزایش می‌یابد.

۶. تنوع و تغییر دادن تاکتیک‌ها و ایجاد روش‌ها و شیوه‌های نو در عملیات:

ضرورت دارد روش‌ها و تاکتیک‌های به‌کارگرفته در هر عملیات، مجدداً در عملیات بعدی تکرار نگردد. برای پاسخگویی به وضعیت‌های جدید، روش و طرز عمل را مرتباً عوض کرد. تا بتوان از راه تغییر دادن تاکتیک‌های خود به اقتضای وضعیت دشمن، پیروزی را به دست آورد. در جنگ تحمیلی، شیوه‌ها و ابتکارات رزمندگان خودی، بارها موجب غافلگیر نمودن نیروهای عراقی گردید. [۱۰]

۶. کاربرد عوامل غیر منتظره (حضور سلاح‌ها و تجهیزات جدید در صحنه کارزار)

تاریخ جنگ‌ها حاکی از آن دارد که هرگاه سلاح و تجهیزات جدید و ناشناخته‌ای در جنگ به کار گرفته شده، موفقیت به همراه داشته است. به عنوان مثال: نبرد آژن کور، [۱۱] سال ۱۴۱۵ - پلاسی [۱۲] سال ۱۷۵۷ ام دورمان، [۱۳] سال ۱۸۹۷ [۱۴]

در عملیات طوفان صحرا (۱۹۹۰-۹۱) ورود هواپیمای بمب افکن اف-۱۱۷ (استیلث) به مفهوم درخفا، و ایجاد شکاف در دیواره پدافند هوایی عراق، راه برای ورود هواپیماهای متعارف دیگر باز شد. این مسئله به همراه سرعت عمل هواپیماهای آمریکا، سبب غافلگیر شدن عراق در مقابله با تک‌های هوایی متحدین گردید.

عملیات حفاظت اطلاعات و ضدشناسایی:

یکی دیگر از اقداماتی که در هر عملیات آفندی یا پدافندی بایستی مورد توجه قرار گیرد تا عملیات فریب و نیز اصل غافلگیری را محقق نماید موضوع ضدشناسایی و عملیات حفاظت اطلاعات می‌باشد. تشکیلات اطلاعات نظامی و اطلاعات رزمی هر کشوری با در اختیار داشتن تجهیزات و وسایل لازم و با استفاده از شیوه‌های مدرن و حتی با کمک دستگاه‌های اطلاعاتی کشورهای دوست و هم‌پیمان خود، درصدد کسب جزئی‌ترین اخبار و اطلاعات و آخرین تغییرات از وضعیت ترتیب نیروی طرف یا طرف‌های مورد نظر هستند. حفاظت اطلاعات هر یگان، موظف است با بکار بستن شیوه‌های حفاظت اطلاعات، جلو فعالیت‌های جمع‌آوری خبر دشمن را مسدود و از اشاعه اخبار خودی به عناصر غیرمجاز، جلوگیری نماید تا بدین وسیله میزان خطری که نیروهای خودی را تهدید می‌کند به حداقل ممکن برساند. همچنین در مورد پیشگیری از خرابکاری، جاسوسی و براندازی، پیش‌بینی لازم را معمول دارد.

عملیات حفاظت اطلاعات و ضدشناسایی شامل موارد زیر است:

الف) حفاظت اسرار عملیات و پنهان نگهداشتن طرح‌ها و دستورات.

برای این که اسرار عملیات فاش نشود، باید در طرح‌ریزی‌های عملیاتی، همواره جواب‌گوی چهار سؤال زیر باشیم:

اطلاعات را به چه کسانی باید گفت؟

چه مقدار باید گفت؟

چه زمانی باید گفت؟

به چه نحو باید گفت؟

نتیجه گیری:

با توجه به موارد فوق چنین نتیجه می گیریم که:

فریب نظامی با هدف گمراه کردن تصمیم گیرندگان دشمن نسبت به توانمندی‌ها، اهداف و عملیات نیروهای خودی اجرا می‌گردد تا باعث شود دشمن مبادرت به اقدامات خاص (یا عدم اقدام) کند و به موفقیت مأموریت نیروهای خودی کمک کند، در غیر این صورت فریب صورت نگرفته است.

عملیات فریب در صورت شکست، لو رفتن تغییر وضعیت، تغییر زمان بندی بایستی متوقف گردد.

غافلگیری یعنی ضربه زدن به دشمن در زمان و مکان و به طریق و روشی که انتظار و آمادگی پذیرش آن را ندارد. ما باید برای دسترسی به اصل غافلگیری، فرصت عکس‌العمل را از دشمن سلب کنیم. او باید وقتی از عملیات ما آگاه شود که دیگر زمان برای عکس‌العمل دیرشده باشد ما باید فضا و زمان را از دشمن سلب کنیم، یعنی نه فضا برای تغییر گسترش و جابه‌جایی و تغییر حالت و نه زمان برای اجرای جابه‌جایی مذکور در اختیار داشته باشد. لازمه دسترسی به اصل غافلگیری، رعایت درست اصل تامین است که دشمن را در بی‌اطلاعی کامل یا لااقل در شک و تردید نگهداشته و نگذاریم از نیت و توانایی‌های خودی آگاه گردد. غافلگیری به گونه‌ای تعیین کننده، توازن توان رزمی را برهم می‌زند و به وسیله آن می‌توان کمبود نیرو را جبران نمود.

در غافلگیری بایستی به نکات زیر توجه کنیم: در اختیار داشتن اطلاعات دقیق از جو و زمین و دشمن (عملیات اطلاعاتی) -پنهان نگهداشتن نیت، طرح‌ها و دستورات (حفاظت اطلاعات) - عملیات فریب در تمام زمینه‌ها - چالاکی و سرعت در حرکات - تنوع و تغییر دادن تاکتیک‌ها و ایجاد روش‌ها و شیوه‌های نو در عملیات - کاربرد عوامل غیر منتظره (حضور سلاح‌ها و تجهیزات جدید در صحنه کارزار)

اگر دشمن در عملیات فریب اقدامات زیر را انجام ندهد فریب صورت نگرفته است:

الف) در کاربرد احتیاط خود دچار اشتباه شود.

ب) آتش‌های خود را به منطقه تک فریبنده هدایت کند.

ج) موضع جنگ‌افزارها و نیروهای خود را آشکار کند.

د) دشمن گیج و مشوش شود.

برای این که اسرار عملیات فاش نشود، باید در طرح‌ریزی‌های عملیاتی، همواره جوابگوی چهار سؤال زیر باشیم:

اطلاعات را به چه کسانی باید گفت؟

چه مقدار باید گفت؟

چه زمانی باید گفت؟

به چه نحو باید گفت؟

عملیات فریب باید ذهن دشمن را به سمت الگوهای خاص رفتار با نیروهای خودی هدایت کند. و دشمن را وادار به اتلاف توان رزمی خود با انجام اقدامات نامناسب یا تاخیری نماید. در غیر این صورت فریب صورت نگرفته است. تک فریبنده با هدف‌های کوچک و محدود که قبل و یا در خلال آفند اصلی به‌منظور گمراه کردن و منحرف کردن توجه دشمن نسبت به منطقه تلاش اصلی صورت می‌گیرد. معمولاً یگان‌هایی به اندازه تیپ و یا کوچکتر تک فریبنده را اجرا می‌نمایند. بنابراین اگر در عملیاتی هدف کوچک نباشد و فریب در خلال تک اصلی صورت نگیرد و استعداد یگان اجرایی فریب مدنظر قرار نگیرد، در واقع عملیات فریب مورد نظر نبوده است.

[۱] - معین وزیری، نصرت‌ا...، آیین نامه عملیات، ۰۱/۲ - ۳ - جلد ۱ - ۱۳۷۹ - ستاد مشترک ا.ج - ص ۲۹.

[۲] - گروه مترجمان دانشکده و پژوهشکده پدافند غیرعامل، فریب نظامی، انتشاراتی دانشگاه امام حسین (ع) ۱۳۸۹ ص ۲

[۳] - معین وزیری، نصرت‌ا...، آیین نامه عملیات، ۰۱/۲ - ۳ - جلد ۱ - ۱۳۷۹ - ستاد مشترک ا.ج - ص ۴۳۶

[۴] - گروه مترجمان دانشکده و پژوهشکده پدافند غیرعامل، فریب نظامی، انتشاراتی دانشگاه امام حسین(ع) ۱۳۸۹: ص ۸

[۵] - گروه مترجمان دانشکده و پژوهشکده پدافند غیرعامل، فریب نظامی، انتشاراتی دانشگاه امام حسین(ع) ۱۳۸۹: ص ۸

[۶] - معین وزیری، نصرت...، آیین نامه عملیات، ۰۱/۲ - ۳م جلد ۱-۱۳۷۹-ستاد مشترک ا.ج-ص ۴۲

[۷] - معین وزیری، نصرت...، آیین نامه عملیات، ۰۱/۲ - ۳م جلد ۱-۱۳۷۹-ستاد مشترک ا.ج-صص ۴۲ تا ۴۶

[۸] همان - ص ۴۳

[۹] معین وزیری، نصرت...، آیین نامه عملیات، ۰۱/۲ - ۳م جلد ۱-۱۳۷۹-ستاد مشترک ا.ج-ص ۴۴

[۱۰] معین وزیری، نصرت...، آیین نامه عملیات، ۰۱/۲ - ۳م جلد ۱-۱۳۷۹-ستاد مشترک ا.ج-صص ۴۶ الی ۴۸

- [۱۲]

- [۱۳]

[۱۴] . معین وزیری، نصرت...، آیین نامه عملیات، ۰۱/۲ - ۳ - جلد ۱ - ۱۳۷۹ - ستاد مشترک ا.ج - ص - ۴۵